

رویکرد انحرافی در تفسیر قرآن

علی نقی خدایاری*

چکیده: رویکرد انحرافی در تفسیر قرآن، سابقه طولانی در میان مفسران دارد، تا آنچاکه حتی به صدر اسلام می‌رسد. این گونه تفسیر، نظام دلالت‌های واژگانی قرآن را به هم می‌زند و ضلالت را به نام قرآن رواج می‌دهد. از منظر روش‌شناسی، عواملی برای این رویکرد برشمرده‌اند، که به خود قرآن، ویژگی‌های مفسر یا روش تفسیری او برمی‌گردد. مخالفان قرآن، و نیز فرقه‌هایی همچون غالیان، باطنیه و...، عرفان، روشنفکر نمایان و خاورشناسان، نمونه‌هایی از رویکرد انحرافی را در آثار خود عرضه کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: رویکرد انحرافی در تفسیر قرآن / تفسیر الحادی / روش تفسیری صحیح / فرقه‌های باطل / عرفان و تفسیر عرفانی / تأویل حسی از قرآن / خاورشناسان و قرآن.

۱. درآمد

قرآن کریم از زمان نزول تاکنون، موضوع شرحها و تفسیرهای گوناگون بوده است. تفاسیر نگاشته شده - با گسترده‌گی فراوان خود - و نمایانگر طیف وسیعی از گروه‌های فکری و معرفتی جهان اسلام است که به تفسیر قرآن دست یازیده‌اند. جایگاه والای قرآن در میان مسلمانان موجب گشته که همه اشخاص و گروه‌های موجود در جهان اسلام، برای دفاع از باورها و اعتقادات خود، به قرآن کریم استناد جسته و برداشتهای خود را از کتاب آسمانی عرضه کرده‌اند. تفاسیر موجود، از لحاظ مبانی، منابع تفسیر، روش تفسیری (منهج تفسیری) و گرایش یا رویکرد تفسیری (اتجاه تفسیری) تنوع و اختلاف بسیار دارند، و طبعاً از ارزش و اعتبار یکسان برخوردار نیستند. اختلاف برداشت از قرآن کریم در مواردی چنان است که مفسری در راستای مشرب فکری و مذهب اعتقادی خود، تفسیری از آیه‌ای ارائه داده، در حالی که گروه مخالف نیز

* - دانشجوی دروه دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

در نقد و ردّ وی به همان آیه استدلال کرده‌اند.

پدیده قابل توجه در تاریخ تفسیر قرآن، وجود برخی رویکردهای انحرافی در تفسیر است که رهاردهای تفسیری آنها، با ماهیت احکام و آموزه‌های قرآن و مسلمات دینی در تضاد است. در شناسایی رویکرد انحرافی توجه به این نکته ضروری است که در ردبایبی این رویکرد، نباید تنها به سراغ آیات و سور تفسیر شده رفت. چرا که در موارد بسیاری، احکام، آموزه‌ها و مفاهیم قرآنی دچار تفسیر انحرافی گشته است.

۲. پیشینه بحث

در قرآن کریم، از برخی از بنی اسرائیل سخن رفته که اقدام به تغییر و تحریف کتاب آسمانی خود می‌کردند: «قد کان فریق منهم یسمعون کلام الله ثم يحرّفونه من بعد ما عقلوه» (بقره، ۷۵ ر.ک. نساء، ۴۶؛ مائدہ، ۱۳ و ۱۴) گروهی از آنان سخنان خدارا می‌شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند.»

همچنین از کسانی که «الحاد در آیات خدا» می‌کنند نکووش شده است. «إِنَّ الَّذِينَ يلحدون فِي آيَاتِنَا لَا يخْفُونَ عَلَيْنَا» (فصلت، ۴۰)؛ کسانی که در [فهم و ارائه] آیات ماکجروی می‌کنند، بر ما پوشیده نیستند.» امین الاسلام طبرسی، تصریح کرده که مراد از الحاد در این آیه، تأویل و برگرداندن آیات قرآن از مسیر صحت و درستی است. (طبرسی، جواع الجمامع، ج ۳، ص ۲۷۰) در آیه‌ای، از مسلمانانی سخن رفته که قصد «تبديل کلام الهی» را دارند. (فتح، ۱۵) از آیات مهم قرآن کریم که به بحث ما ارتباط دارد، آیه هفتم سوره آل عمران است. در این آیه ضمن تقسیم کردن آیات قرآن به محکمات و متشابهات، تأکید شده که بیماردلان در طلب فتنه و تأویل (ناروا)، آیات متشابه قرآن را دنبال می‌کنند.

در احادیث معصومان نیز ردّپای تفسیر انحرافی به روشنی می‌توان یافت. در سخنان معصومان ﷺ از مفاهیمی مانند تفسیر به رأی، تأویل ناروا و تحریف معنوی آیات سخن رفته و با آسیب‌شناسی تفسیر قرآن، از امور یاد شده به شدت پرهیز داده شده است.

رسول خدا ﷺ خطاب به امیر المؤمنان علیه السلام فرمود: «يا على! همانا هدایت، تبعیت از دستور خدا است نه پیروی از هوا و رأی. و گویا تو با قومی مواجه خواهی شد که قرآن را تأویل

برده و شباهات را برگرفته‌اند.»(طوسی، امالي، ص ۶۶؛ مفید، امالي، ص ۳۸۹) و از آن حضرت است: «انَّ منكم من يقاتل بعدى على التأويل كما قاتلتُ على التنزيل»(کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۱؛ صدقوق، خصال، ص ۲۷۵). از شما کسی هست که پس از من برای تأویل قرآن نبرد می‌کند، همچنانکه من بر تنزیل جنگیدم.»

از دو حدیث یاد شده، چنین برمی‌آید که نبرد امیر مؤمنان^{علیهم السلام} با گروههای سه گانه ناکشین، قاسطین و مارقین در راه تأویل صحیح قرآن بوده است. حضرت امیر^{علیهم السلام} در نامه خود به معاویه نوشت: «فعودت على طلب الدنيا بتأويل القرآن»؛ تو با تأویل قرآن در پی دنیا تاختی.»(نهج

البلاغة، نامه ۵۵)

امام صادق^{علیهم السلام} ماجرای خود را با مردی مقدس مآب نقل می‌کند که دزدی می‌کرد و مال دزدیده را صدقه می‌داد و با تأویل کریمه «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها و من جاء بالسيئة فلا يجزى إلا مثلها» (انعام، ۱۶۰) گمان می‌کرد که از چهل حسنه برخوردار شده و با کسر چهار سیئه دزدی، سی و شش حسنه برای او باقی خواهد ماند. امام^{علیهم السلام} پس از آن فرمود: «بمثل هذا التأويل القبيح المستنكرة يضلّون و يُضلّون؛ با چنین تأویل زشت و ناپسندی گمراه می‌شوند و دیگران را گمراه می‌کنند.» سپس حضرت در بیان کلام خویش فرمود: «طوبی للذين هم كما قال رسول الله ﷺ يحمل هذا العلم من كل خلف عدو له، و ينفون عنه تحريف الغالين و انتقال المبطلين و تأویل الجاهلين.»(صدقوق، معانی الاخبار، ص ۳۵)

در روایتی نیز آمده است که شخصی طی نامه‌ای به امام^{علیهم السلام} نوشت: سخناني [اغراقآمیز] درباره شما و فضائل گفته می‌شود و افرادی با تأویل آیات «انَّ الصلاة تهـي عن الفحشاء و المنكر» (عنکبوت، ۴۵) و «آقِيموا الصلاة» (بقره، ۴۳) می‌گویند: مراد از نماز، مردی است، نه رکوع و سجود. مراد از زکات نیز همان مرداست، نه چند درهم پول و پرداخت آن. اینها به همین شیوه، سایر واجبات و مستحبات و در مقابلش، گناهان را تأویل می‌کنند. حضرت در پاسخ فرمود: «این دین ما نیست. از آنان کناره گیری کن.»(کشی، رجال، ج ۲، ص ۸۰۲، ش ۹۹۴؛ ر. ک. ص ۳، ش ۸۰۳)

(۱) (۹۹۵)

۱ - امام صادق^{علیهم السلام} در نامه‌ای مفصل به جناب مفضل بن عمر، در این زمینه حقایقی را بیان فرموده‌اند. ر. ک. بصائر الدرجات ص ۵۲۶ - ۵۳۶ جزء ۱۰، باب ۲۱، حدیث ۱؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۸۶ - ۲۹۸؛ همچنین: بیان میرداماد در بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۹۹ - ۳۰۰؛ بیان علامه مجلسی در مشکوحة الانوار، ص ۷۷ - ۸۱.

از نویسنده‌گان معاصر علوم قرآنی اهل تسنن، دکتر حسین ذهبی فصلی از کتاب خود را به «تفسیر الحادی» اختصاص داده و ضمن بررسی زمینه‌ها و انگیزه‌های تفسیر الحادی، نمونه‌هایی از این گونه تفسیر را به دست داده است. (التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۵۵۲ به بعد)

پس از وی فهد رومی در «اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر»، فصلی را به گرایش‌های انحرافی در تفسیر و معرفی نمونه‌های تفسیر الحادی اختصاص داده است. (رومی، اتجاهات التفسیر، ج ۳، ص ۱۰۶۵). در میان نویسنده‌گان شیعی علوم قرآنی نیز، آقای کمالی دزفولی بحثی را در این زمینه مطرح کرده است. (کمالی، شناخت قرآن، ص ۴۵۱ به بعد)

همچنین نویسنده «تفسیر و مفسران» دو بحث «شیوه سیاسی انحرافی» و «شیوه عقلی افراطی» را مطرح کرده، و در موضوع اخیر نمونه‌هایی از تفاسیر انحرافی سید احمد خان هندی در کتاب «تفسیر القرآن و الفرقان» وی یادکرده است. (تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۵۰۸-۵۰۹)

۳. پیامدهای تفسیر انحرافی

تفسیر انحرافی، صرف نظر از اینکه از سوی چه فرد یا گروهی عرضه شود، پیامدهای منفی متعدد داد و موجب پیدایش فتنه، آشوب و گمراهی در جامعه دینی می‌گردد. نکوهشها و هشدارهای فراوان قرآن و روایات درباره تفسیر به رأی و تأویل ناروا، نشانگر عمق و گستردگی آثار و پیامدهای این نوع تفسیر است.

تفسیر انحرافی، موجب برهمنمودن نظام دلالتهای واژگانی قرآن کریم، پیدایش و رواج اندیشه‌های انحرافی، مسخر و تغییر آموزه‌ها و احکام قرآن کریم می‌شود. این گونه تفسیر، گاهی اوقات تا آنجا پیش می‌رود که موجب نفی و انکار مسلمات و ضروریات دینی می‌گردد، که در این صورت، می‌توان آن را «تفسیر الحادی» نامید.

خواهیم دید که تفسیر انحرافی، سرچشمه و پشتونه پیدایش گروهها و فرقه‌های انحرافی مانند خوارج و غالیان گشته است. گاه تفاسیر انحرافی چنان خطرآفرین است که آن گروهها را به چنگ با مسلمانان وامی دارد. و در این حال، برای صیانت جامعه و دفاع از حریم مردم، پاسخ‌گویی مسلح‌حانه به این گروهها ضرورت می‌یابد. همچنان که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بنا به سفارش پیامبر اسلام ﷺ با خوارج جنگید. آن حضرت - در بیان حکمت عمل خود که چرا

با افرادِ ظاهراً مسلمان می‌جنگد - فرمود:

« و لکنَا آنما أَصْبَحْنَا نَقَاتِلُ إِخْوَانَنَا فِي الْإِسْلَامِ عَلَى مَا دَخَلَ فِيهِ مِنَ الزَّيْغِ وَ الشَّبَهِ وَ التَّأْوِيلِ؛ وَلِي اكْنُونَ بِاِرْادَرَانِ مُسْلِمَانَ خَوْدَ مِنْ جَنْگِيمْ؛ بِهِ دَلِيلَ كُزَى وَ انحرافٍ وَ شبَهٍ وَ تَأْوِيلَ (نَادِرَسْتَ) كَهْ (بِهِ وَسِيلَهُ آنَانَ) درِ إِسْلَامِ رَاهِ يَاْفَتَهِ اَسْتَ». (نهج البلاغه،

خطبه ۱۲۱)

آن حضرت در گفتاری روشنگر، به برخی از پیامدهای تفسیر انحرافی از سوی عالم نمایان پرداخته‌اند:

« از میان بندگان، [فرد] دیگری است که خود را دانشمند نامد در حالی که نشانی از دانش در او نیست. مشتی افکار جاهلانه از جاهلان و گمراهی از گمراهان فرا گرفته، بر سر راه مردم دامهای فریب گسترده و سخنان باطل گوید. و کتاب خدا را به رأی خود تفسیر می‌کند و حقیقت را به مقتضای هوای خویش به این سو و آن سو متمایل سازد. ...» (نهج البلاغه، خطبه ۸۶)

مقابله با تفاسیر انحرافی، در دوره حضور امامان معصوم، توسط ایشان صورت می‌گرفت. در دوره غیبت امام عصر ارواحنا فداه، در طول سده‌های گذشته، عالمان دینی این وظیفه را بر عهده گرفته و با نگارش کتابهای ارجمندی به دفاع از آموزه‌ها و احکام قرآن پرداخته‌اند. در حوزه امامیه، افزون بر تفاسیر عام تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان امین‌الاسلام طبرسی، کتابهای ارزشمند حقائق التأویل سید رضی، امالی سید مرتضی و متشابهات القرآن و مختلفه از ابن شهرآشوب^(۱) در خور ذکر است.

۴. اسباب و زمینه‌های رویکرد انحرافی

از منظر روش‌شناسی تفسیر، چه اسباب و زمینه‌هایی می‌تواند در شکل‌گیری رویکرد انحرافی در تفسیر قرآن مؤثر باشد؟

به نظر می‌رسد عوامل مختلفی در شکل‌گیری برداشتهای انحرافی از قرآن مؤثراند. عمل تفسیر، پیچیده‌ای است که اسباب گوناگونی در حصول آن دخالت دارد. بر این پایه اسباب پیدایش

۱- برای آشنایی با میانی و روش تفسیری ابن شهرآشوب، ر. ک . « نگاهی به تفسیر، ابن شهرآشوب » در آینه پژوهش، شماره ۸۱ (مرداد و شهریور ۱۳۸۲) از نگارنده.

انحراف در تفسیر به سه دسته بخش پذیر است.

۱-۴. ویژگی‌های متن مورد تفسیر

چنین می‌نماید که متن قرآن کریم دارای برخی ویژگی‌های است که می‌تواند بهانه و دستاویزی برای برخی افراد در عرضه تفسیر انحرافی باشد.

به طور کلی وجود چهار امر، متن قرآن کریم را متنی ویژه ساخته است . ۱. آیات متشابه ۲. آیات متعارض نما ۳. روایات ذو وجوه بودن قرآن ۴. روایات مربوط به ظاهر و باطن و تفسیر و تأویل قرآن. انحراف در تفسیر تا آنجاکه به متن قرآن کریم مربوط است، به ویژگی‌های یادشده برمی‌گردد. که لغزشگاههای مهم تغییر هستند. منشاء انحراف در تفسیر، پیروی از آیات متشابه، ناتوانی (یا تغافل) از سازواری دادن میان آیات متعارض نماست. از سوی دیگر به سبب وجود روایات ذو وجوه بودن قرآن و وجود ظاهر و باطن و تفسیر و تأویل برای آیات برخی گروهها و افراد کج اندیش - مانند غالیان و باطنیان - برداشتها و تفسیرهای انحرافی و ناروای خود را به قرآن نسبت داده و تفاسیری انحرافی عرضه کرده‌اند.

۲-۴. ویژگی‌های مفسر

بی‌گمان خصوصیات فردی مفسر و آراء و اندیشه‌های وی در محصول تفسیری وی مؤثر است. ویژگی‌های فردی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

۱-۲-۴. خصوصیات روحی و اخلاقی

به تصریح قرآن کریم، برخی از خصوصیات اخلاقی مانند کبر، بیماردلی، انحراف، فسق و ظلم از اسباب زمینه ساز تفسیر الحادی و انحرافی است. قرآن کریم بر نور، هدایت و مایه شفا بودن خود برای مؤمنان تأکید می‌کند و به روشنی می‌گوید که: «وَلَا يَزِيدُ الظَّالَمُونَ إِلَّا خَسَارًا» (اسراء، ۸۲). در آیه‌ای کفر و فسق مایه گمراهی معرفی شده است. «... پس کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌دانند که آن [مثل قرآنی] از جانب پروردگارشان بجا است؛ ولی کسانی که به کفر گراییده‌اند می‌گویند: « خدا از این مثل چه قصد داشته است؟ » [خدا] بسیاری را با آن

گمراه، و بسیاری را با آن هدایت می‌کند. و جز فاسقان را با آن گمراه نمی‌کند.» (بقره، آیه ۲۶). به نظر می‌رسد که کفر مطرح در این قبیل آیات را باید در معنای عام و وسیع آن به کار گرفت. براین پایه، کفر به قرآن ممکن است شامل کفر به مجموع قرآن یا بخشی از آن باشد. در حقیقت فردی که بجای «تصدیق» مضامین آیات الهی، آراء و اندیشه‌های شخصی خود را جایگزین مضمون آیه می‌کند و مدلول آیه را به دیدگاه مورد نظر «تأویل» می‌برد، به مضمون آیه مورد تفسیر، ایمان و اعتقاد ندارد.

در قرآن کریم، در مواردی، از تقابل مؤمنان با ظالمان و فاسقان در پذیرش آیات الهی سخن رفته و بر این نکته تأکید شده که مؤمنان و راسخان در علم، در برابر آیات خدا تسليم می‌شوند، اما فاسقان و بیماردلان -از روی فتنه جویی و طلب تأویل دلخواه- از آیات متشابه قرآن پیروی می‌کنند. (بقره، ۲۶؛ آل عمران، ۷؛ عنکبوت، ۴۷)

۲ - ۴ . مبانی اعتقادی و تفسیری

مراد از مبانی تفسیری، آن دسته از پیش دانسته‌ها، پیش فرض‌ها، اعتقادات، باورها، دغدغه‌ها و سلایق مفسر است که در تفسیر قرآن به طور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر می‌گذارد. سرچشمۀ بسیاری از انحرافهای تفسیری، وجود اشکال و انحراف در مبانی فکری و اعتقادی مفسر است.

مثالاً مفسری که در مبانی کلامی و اعتقادی خود به امکان رؤیت حسّی باری تعالی اعتقاد پیدا کرده، ناگزیر از آیه «الى ربّها ناظرة» (قیامت، ۲۳) تفسیری موافق با عقیده خود عرضه خواهد کرد. یا مفسری که معتقد به ضرورت تطبیق مضامین آیات قرآن باری ره‌آوردهای اندیشه، ذوق و تجربه بشری در زمینه‌های مختلف فلسفه، عرفان، روان‌شناسی، حقوق و اقتصاد است، طبعاً تفسیری همسو و هماهنگ با این مبانی تفسیری ارائه خواهد کرد. با توجه به این نکته، برای دستیابی به تفسیری معتبر از آیات، تنتیح مبانی و پیش فرض‌های، تفسیری، ضرورتی انکارناپذیر است.

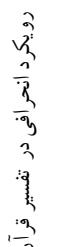
گفتنی است نویسنده‌گان علوم قرآنی، در بحث آداب و شرایط مفسر، به تأثیر ویژگی‌های



۳-۴. اشکال در روش تفسيري

افزون بر ويژگی‌های متون قرآن و خصوصيات فردی، مفسر و عامل سوم در بروز انحراف در تفسير، وجود نقص، اشکال و انحراف در روش تفسيري است. منظور از روش يا منهج تفسيري، راه و روشي است که مفسر برای کشف و بيان مراد خدای تعالی در آيات قرآن برمی‌گزیند، که از سویی بر یک سلسله مبانی و پیش فرض‌های اولیه و اصول و قواعد مورد پذیرش مفسر استوار است و از سوی دیگر از منابع و عناصر خاص بهره می‌گیرد. به تعبیر دیگر، روش تفسيري، شیوه تعامل یک مفسر با آيات قرآن به منظور کشف و بيان مدلول آنهاست.

از آنجاکه روش تفسيري و چگونگي تعامل مفسر با مصادر تفسير، ارتباط مستقیم با فرأورده تفسيري وي دارد، وجود هرگونه نقص و اشکال در روش تفسيري موجب پیدايسي آسيب و انحراف در تفسير خواهد بود. با توجه به اينکه آسيب‌شناسي تفسير، خود بحثي مستقل و نيازمند مكتوبی مستقل است، در اينجا تنها به دو اشکال اشاره می‌کنیم. از جمله عوامل انحراف در تفسير، جزئی نگری مفسر به منابع تفسير است. به اين معنا که مفسر در تفسير يك آيه، آيات دیگر را در نظر نگيرد يا در کنار آيات، از منبع سنت و احاديث معصومان بهره نجويد. برای رسيدن به تفسيري معتبر و قابل قبول، مجموعه نگری به معنای توجه به تمامی ادله و منابع تفسير، ضروري است. اشکال دیگر در روش تفسيري، عدم پایبندی به ظهور عرفی واژگان و عبارات قرآن، و در نتيجه تأويل و کشاندن مضامين آنها به اهداف، آراء و انديشنه‌های شخصي است. همچنان که در ادامه نوشتار خواهيم ديد، پای بند نبودن به ظهور عرفی، سبب ساز پیدايسي انحراف در تفسير گشته است.^(۲)



۱- ر. ک. البرهان، ج ۲، ص ۱۵۴؛ الاتقان، ج ۲، ص ۳۵۱ (نوع ۱۷۸)؛ روش‌شناسي تفسير قرآن، ص ۳۷۷.

۲- به تعبير علامه مجلسی: «اول الالحاد سلوك التأويل من غير دليل» بحار الانوار، ج ۵، ص ۵۸، نیز: ر. ک. بيان علامه مجلسی در کتاب «القواعد الطريقة في شرح الصحيفة الشريفة» ص ۱۱۸، ۱۲۱ - ۱۵۲، ۱۵۶ - ۲۰۹ و ۲۸۵؛ بيان ميرزا ابوالقاسم قمی در رساله رکنیه (مندرج در کتاب قم نامه) ص ۳۶۶ - ۳۶۷.

۵. حوزه‌های رویکرد انحرافی

در این بخش به حوزه‌های رویکرد انحرافی در تفسیر می‌پردازیم. پرسش مطرح این است که چه گروهها، چه کسانی و در چه حوزه‌هایی به تفسیر انحرافی مبادرت کرده‌اند؟ به نظر می‌رسد که مهمترین حوزه‌های تفسیر انحرافی را به نحو زیر می‌توان رده‌بندی کرد. البته این اقسام جنبهٔ حصری ندارد. با تبع بیشتر، می‌توان حوزه‌های دیگر و همچنین گروههای دیگری در داخل حوزه‌های مورد بحث پیدا کرد.

۱-۵. حوزهٔ مخالفان قرآن

نخستین زمینهٔ قابل توجه، اقدامات مخالفان و دشمنان قرآن است که از زمان نزول قرآن به صورت‌های مختلف به معارضه و مقابله با قرآن پرداخته‌اند. کار مخالفان قرآن در سه زمینهٔ زیر قابل بررسی است. نخستین کار مخالفان شبیه سازی در برابر قرآن است. در طول سده‌های گذشته، مخالفان قرآن برای خاموش ساختن نور قرآن و ابطال اعجاز آن به معارضه با آن پرداخته، و در مقابل آیات و سور قرآن - به زعم خود - سوره‌های مشابه بر ساخته‌اند. (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۴۲)

اقدام دوم ادعای وجود موارد اختلاف و تناقض در قرآن است. علامهٔ مجلسی در کتاب قرآن بحار الانوار، فهرست بلندی از این گونه آیات همراه با پاسخهای آنها را آورده است. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۹۸)

اقدام سوم مخالفان، عرضهٔ تفسیرهای الحادی و انحرافی بوده است. آنان به برخی آیات و عبارات قرآنی در تأیید اندیشه‌های الحادی خود استناد کرده‌اند. برای نمونه شیخ صدق گزارش کرده که ابوشاکر دیصانی - که دوگانه‌پرست بوده - به هشام بن حکم گفت: در قرآن آیه‌ای هست که مؤید دیدگاه ماست! هشام گفت: کدام آیه؟ گفت: هو الّذى فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَ فِي الْأَرْضِ إِلَهٌ. (زخرف، ۸۴) هشام که در برابر استدلال ابوشاکر، پاسخی نداشته است، در حج خدمت امام صادق^{علیه السلام} رسید و تفسیر وی را مطرح ساخت. حضرت فرمود: «این سخن یک زندیق پلید است.» آنگاه حضرت تفسیر صحیح آیه را بیان فرمودند. (صدق، توحید، ص ۱۳۳)

اقدامات تفسیری مخالفان اسلام در دوره‌های بعد از سالهای حضور ائمه^{علیهم السلام} نیز ادامه یافت

و در این زمینه کتابهایی نگاشته شده که البته از سوی عالمان و اندیشمندان اسلامی نیز بی‌پاسخ نمانده است.

۲-۵. حوزه فرق

حوزه دوم در تفسیر انحرافی، حوزه فعالیت‌های تفسیری فرق است. طرفداران برخی فرق و گروه‌ها در روزگار قدیم و جدید - در راستای اثبات و دفاع از عقاید و آموزه‌های فرقه‌ای خود - به تفسیر انحرافی قرآن مبادرت کرده‌اند که در اینجا به برخی از فرق و نمونه‌هایی از تفسیرهای آنان اشاره می‌شود.

۱-۲-۵. غالیان

نخستین فرقه، غالیان‌ند که در جهت اندیشه‌های غالیانه خود، تفسیر انحرافی و الحادی عرضه کرده‌اند. در رجال کشی آمده است که هشام به امام صادق علیه السلام عرض کرد که بنان - یکی از غالیان - آیه «و هو الذى فى السماء إله و فى الارض إله» (زخرف، ۸۴) را به این صورت تأویل کرده که، خدای زمین غیر از خدای آسمان و خدای آسمان غیر از خدای زمین است. و خدای آسمان بزرگ‌تر از خدای زمین است ... حضرت فرمود:

«به خدا سوگند: خدایی جز الله وجود ندارد که یگانه است و شریکی ندارد، همان خدای کسانی که در آسمان‌ها هستند و خدای کسانی که در زمین‌ها هستند. بنان - نفرین خدا بر او باد - دروغ گفته است...» (کشی، رجال، ج ۲، ص ۵۹۲، ش ۵۴۷).

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به آن حضرت گفت: گروهی می‌پنداشند که شما خدا هستید. در این رابطه آیه‌ای هم می‌خوانند:

«يا ايها الرسل كلوا من الطيبات و اعملوا صالحاً انى بما تعملون عليم» (مؤمنون، ۵۱)
حضرت فرمود:

«سدير! گوش و چشم و مو و پوست و گوشتش و خون من، از اینان بیزار است. خدا و رسول او از ایشان بیزارند. اینان بر دین من و دین پدرانم نیستند ...» (همان، ص ۵۹۴، ش ۵۵۱)

اسماعیلیه یا باطنیه، فرقه‌ای هستند که پس از امام صادق^ع به امامت اسماعیل بن جعفر معتقد گشتند. (شهرستانی، ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۴۰) از نظر باطنیه، قرآن و تمام شریعت، رموز و امثالی هستند که مراد و مقصود اصلی، حقایقی است که در ورای آنهاست. (شاکر، روش‌های تأویل قرآن، ص ۲۴۰) ناصر خسرو که خود از اسماعیلیان بود، گفته است: « شریعت ناطق، همه رمز و اشارت و مثل است. پس هر که مثال را معانی، و اشارات را رموز نداند، بی فرمان شود. » (وجه دین، ص ۱۸۰). بغدادی درباره تأویلهای باطنیه گوید: « باطنیه از آنجا که اصول دین را به شرک تأویل بردن، چاره کار را در آن دیدند که احکام شریعت را به وجودی تأویل برنده به برداشته شدن شریعت منتهی شود. » (الفرق بین الفرق، ص ۲۵۳) باطنیان به اشخاص مقدسی با عناوین ناطق، اساس، امام، حجت و باب اعتقاد داشته و بسیاری از آیات قرآن را بر آنان تأویل می‌کنند. در اینجا به چند نمونه از تأویلهای ناهنجار این فرقه اشاره می‌شود.

ناصر خسرو در تأویل کلمه توحید گوید: « چهار کلمه [کلمه] شهادت، دلیل است بر چهار اصل، هر کلمه برابر اصلی. « لا » دلیل است بر اساس خویش ... و کلمه « الله » دلیل است بر ناطق که نخستین کسی بود که خلق را سوی پرستش خدای خواند از جسمانی، و این کلمه سه حرف است. چنان که ناطق را سه مرتبه است: رسالت و وصایت و امامت ... و کلمه « الا » دلیل است بر ثانی [نفس کل] ... و کلمه « الله » دلیل است بر عقل کل که او نهایت همه مخلوقات است از لطیف و کثیف، همچنان که این کلمه نهایت شهادت است. » (وجه دین، ص ۷۷ - ۷۸).

جعفرین منصور یمن یا کلینی در تأویل آیه « هل ينظرون الا أن يأتیهم الله في ظلل من الغمام » (بقره، ۲۱۰) در کتاب الكشف، ص ۱۰۲ گوید: « خداوند خودش را در هفتاد هیکل برای دوستان خود آشکار می‌سازد و این هفتاد نفر، همان امامان و حجاج و ابواب و داعیان هستند. » (شاکر، روش‌های تأویل قرآن، ص ۱۰۲).

۳ - ۲ - ۵ . بابیه و بهائیه

گروه انحرافی بابیه و بهائیه، جسورانه به تأویل آیات قرآن در جهت اندیشه‌ها و مقاصد خود اقدام نموده‌اند. در تفسیر آیه « إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ » (انفطار، ۱) در کتاب ایقان آمده است:

«مقصود، سماء ادیان است که در هر ظهور مرتفع می‌شود. و به ظهور بعد شکافته می‌گردد

يعنى باطل و منسوخ مى‌شود.»(نوری، ایقان، ص ۳۴)

وی، پس از حمله به مفسران که چرا آیه «فلا أقسم برب المغارب و المشارق» (معارج، ۴۰) را برابر خاورها و باخترهای زمین تطبیق کرده‌اند، سماء را به آسمان دیانت تفسیر می‌کند. و شمس و قمر را به معنای علوم و احکام و معارف الهی طلوع آنها را به معنای ظهور ادیان، و غروب آنها را به معنای گمراهی علماء و نسخ شدن احکام شریعت سابق می‌گیرد.(همان، ص ۳۰-۳۳) در حقیقت طرفداران مذهب انحرافی بایهه که مذهب خود را ناسخ دین اسلام می‌دانند(همان، ص ۱۴۰) این دو آیه را برابر وفق مشرب خود تأویل برده‌اند.

٤ - ٢ - ٥ . قادیانیه

این گروه، پیروان احمد قادیانی‌اند و او را مهدی موعود می‌دانند.(قادیانیه، ص ۱۹ و ۳۱) آنان در دفاع از اندیشه‌های انحرافی خود، از جمله به این آیه استناد می‌کنند: «ولو تقوّل علينا بعض الأقويل * لأخذنا منه باليمين * ثم لقطعنا منه الوتين» (حaque ، ۴۶-۴۴). به پندار آنان، این آیه دلالت دارد که هر که به خدا دروغ بندد، هلاک می‌شود. و چون هیچ اتفاقی برای احمد قادیانی رخ نداده، پس عقاید او صحیح است!(همان، ص ۲۱۸)

٥ - ٢ - ٥ . مسلمون

فرقة مورد بحث دیگر، فرقه «المسلمون» یا «الجمهوريون»، پیروان محمود محمد طه هستند. وی در سودان ادعای پیامبری کرد و دعوت خود را «الرسالة الثانية» می‌نامید.(رومی، اتجاهات التفسیر، ج ۱، ص ۲۵۷) برای آگاهی از دیدگاه‌های این گروه، باید گفت که آنان معتقد به اندیشه‌های دو پایه‌ای هستند.

مثالاً می‌گویند: ایمان داریم و اسلام؛ دو عقل داریم؛ عقل ظاهر و عقل باطن؛ دو قیامت داریم؛ دو قسم ازدواج داریم: ازدواج انسان با انسان و ازدواج انسان با خدا! دو نوع صلات داریم؛ دو خدا داریم؛ «الرَّحْمَنُ هُوَ إِلَهُ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ إِلَهُ السَّمَاوَاتِ وَ هُمَا إِلَهٌ وَاحِدٌ»... (همان جا) این گروه حکم حجاب را منکرند، و قائل به اباحیگری می‌باشند. محمود محمد گفته است:



«كَلِمًا استقامت السيرة ضاقت دائرة المحرمات و انداحت دائرة المباحثات على
قاعدة الآية الكريمة ؛ ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم و آمنتم و كان الله شاكراً
عليهما»؛ (نساء، ١٤٧) هرگاه سیرت [انسان] درست و مستقيم شود؛ دائرة محرمات
تنگ شده و عرصه مباحثات گسترش می‌یابد. بر طبق آیه «اگر سپاس گزارید و
ایمان بیاورید، خدا را با عذاب شما چه کار! و خداوند سپاسگزار دانا
است.»(همان، ص ٢٧٠)

وی می‌افزاید: هرگاه سالک به مرتبه نقاوت سریره و استقامت سیره رسید بر طبق آیه «لیس
على الذين آمنوا و عملوا الصالحات جناح فيما طعموا إذا ما أتقوا» (مائده، ٥٣) تمامی اعیان
محسوس بر او حلال می‌گردد.(همان جا)

وی همچنین درباره آیه «وَ إِن تَوْلُوا يَسْتَبَدُّلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ»
(محمد ﷺ، ٣٨)، گوید: «در این آیه اشارت بسیار لطیف است بر اینکه مسلمین (طرفداران
فرقه مسلمون) پس از مؤمنین می‌آیند و از آنان بهتر خواهند بود.»(همان جا)

۳-۵. حوزه عرفان و تصوف

عارفان مسلمان، از جمله گروههای فکری در جهان اسلام هستند که با مبانی و روشهای
تفسیری خود و با رویکردی ویژه به تفسیر قرآن پرداخته‌اند. درباره ارزش و اعتبار تفاسیر عرفانی
از قرآن، دیدگاههای مختلفی ابراز شده است. برخی برآند که گفته‌های صوفیان در باب آیات
قرآن، اساساً تفسیر نمی‌شود. بلکه صرفاً یافته‌های درونی و رهیافت‌های شخصی است که در
مواجهه با آیات ابراز شده است.^(۱)

این دیدگاه - دست کم درباره بخش عظیمی از تفاسیر صوفیان - ناصواب به نظر می‌رسد.
تأمل در لحن و سبک و سیاق تفاسیر عرفانی، نشانگر تلاش‌های فکری عارفان در ایضاح و
تبیین معانی آیات قرآن و کشف و بیان مقاصد آن است. و تفسیر چیزی جز کشف و بیان معانی

۱ - البرهان، ج ۲، ص ۱۷۰، پرواز در ملکوت (شرح و تفسیر آداب الصلاة) ج ۲، ص ۱۱۴ کیهان اندیشه شماره ۳۹
(مصالحه با آیة الله جوادی آملی)، ص ۱۲ و ۱۳؛ تعلیقات ابوالعلا عفیفی بر فصوص الحكم (ضمیمه فصوص)، ص
۳۸، ۴۰، ۴۶، ۹۸، ۵۷، ۱۰۲، ۱۲۶، ۱۳۵، ۱۶۳، ۱۶۴.

قرآن نیست.

عارفان در عرضه، تبیین و اثبات آراء و موضع عرفانی خود، دائماً به آیات استناد می‌کنند.^(۱) استناد به آیات، زمانی مفهوم پیدا می‌کند که شخص مفسر با روشی مقبول به تفسیری ضابطه‌مند و برداشتی قاعده‌مند از آیه‌ای دست یابد و مراد الهی از آیه را بیان نماید، آنگاه در اثبات دیدگاه خود به آن آیه استشهاد کند. با این وصف، هرگاه تفسیری کاشف از مراد الهی نبوده و صرفاً بیانگر ذوقیات شخصی مفسر باشد، چگونه می‌تواند مؤیدی شرعی برای دیدگاه‌های عرفانی مفسر تلقی شود؟ به تعبیر دیگر هرگاه عارفان مسلمان بر این باور باشند که تفسیرهای آنان از آیات قرآن نه تفسیر و بیان مراد الهی که تنها برداشتها و رهیافتهای شخصی است، طبعاً استنادی قاعده‌مند به کلام خدا شکل نگرفته است و از این روی عارفان نمی‌توانند ادعا کنند که آراء و اندیشه‌های آنان برگرفته و مستند به قرآن و حدیث است.

واقعیت این است که عارفان به مستند بودن آرای خود به کتاب و سنت بس پای فشرده‌اند.

برای مثال، سید حیدر آملی تصویری که مأخذ و سرچشمۀ تعالیم صوفیان قرآن کریم و

احادیث پیامبر و ائمه معصومین ﷺ است. (آملی، جامع الاسرار، ص ۲۲۲)

ابن عربی در توجیه اشاری بودن بیانات تفسیری عارفان، دلیل استفاده از این شیوه را مخالفت علمای رسمی (فقیهان و متکلمان) با عرفا دانسته و تأکیدکرده است:

«فَكُلَا مِهْمَ فِي شَرْحِ كَتَابِ الْعَزِيزِ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدِيهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ إِشَارَاتٍ وَانْ كَانَ ذَلِكَ حَقِيقَةً وَتَفْسِيرًا لِمَعْنَيِ النَّافِعَةِ.» (ابن عربی، الفتوحات المکلیة، ج ۴، ص ۲۶۴)

از نظر وی همچنان که اصل تنزیل کتاب بر پیامبران از سوی خداست، تنزیل فهم بر دلهای برخی مؤمنان نیز از سوی خداست. و از آنجا که اصل کتاب از سوی خداست، پس اهل الله (عرفا) که به آن عمل می‌کنند، به شرح آن و بیان آنچه خداوند در آن نازل کرده، سزاوارترند.

بنابراین شرح کتاب نیز به سان اصل به تنزیل از سوی خدا بر دلهای عارفان خواهد بود.^(۲)

از سوی دیگر عارفان، برداشتهای مفسران دیگر از قرآن را، سطحی، ظاهری، لفظی و شامل

۱ - و در بیان استناد خود، از تعابیری مانند الدلیل علی ... هو قوله تعالى، هذا معنی قوله، لقوله تعالى يشهد بذلك قوله تعالى و مانند آن برای نمونه ر.ک. جامع الاسرار، ص ۱۲، الفتوحات المکلیة، ج ۲، ص ۱۷۸.

۲ - همان، ص ۲۶۹ و ۲۶۸ و ر.ک. فصوص الحكم، ص ۱۲۳ - ۱۲۲، فصل شعیبی.

پوسته قرآن می‌دانند و برداشتهای خود را عمقی و حقیقی می‌شمارند. از جمله حکیم عارف صدرالدین شیرازی بر آن است که دو گونه فهم از قرآن وجود دارد: ۱. فهم متعارف مفسران که «فهم عن الكلام» است. در این نوع فهم، از معنای ظاهری و لغوی واژگان و عبارات کلام به مدلول آن می‌رسند. از دیدگاه ملاصدرا این نوع فهم، فهم حقیقی نیست. آنچه مطلوب است، فهم حقیقی - یعنی «فهم عن المتكلّم» - است؛ که در آن، شخص عارف مستقیماً حقایق و مقاصد قرآن را از خداوند می‌گیرد. و کلام الهی بر قلب وی نازل می‌شود. (صدرالمتألهین، مفاتیح الغیب، ص ۶۶) طبق این سخن ملاصدرا، گفته‌های عارفان درباره آیات و مفاهیم قرآن، نه تنها بیانگر حقایق و مقاصد قرآن است، بلکه از تفسیرهای مفسران متعارف نیز بسی ارزشمندتر است. بر این پایه نمی‌توان گفت که سخنان عارفان در ذیل آیات، تفسیر شمرده نمی‌شود.

به هر روی، برخی از پژوهشگران علوم قرآنی برای پذیرش تفسیرهای عرفانی شروطی

برشمرده‌اند:

۱. تفسیر عرفانی با معنای نظم قرآن ناسازگار نباشد.
۲. مفسر ادعا نکند که تفسیر عرفانی وی تنها مراد آیه است و ظاهر آن مراد نیست.
۳. تفسیر عرفانی، معارض شرعی یا عقلی نداشته باشد.
۴. مؤیدی شرعی تفسیر عرفانی را تأیید کند. (زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۵۴۹)

با توجه به شرایط یادشده و با عنایت به آنچه در تعریف تفسیر انحرافی گفته شد، تفسیرها، تأویل‌ها و تطبیق‌های صوفیان - در صورتی که مغایر با احکام و اهداف قرآن و مستلزم نفی و افکار مسلمات دینی گردد - بی‌گمان مصدق تفسیر انحرافی است.

به دلیل کثرت تفاسیر عرفانی، در اینجا به چند نمونه بسنده می‌شود. عارف نامدار ابن عربی، از جمله عارفانی است که در موضع متعدد از آثار خود، برخی آیات را بر اندیشه‌های عرفانی خود تطبیق کرده است. اندیشهٔ وحدت وجود، محوری‌ترین مسأله در سنت تصوف او است و، همواره می‌کوشد که این نظریه را از قرآن استخراج کند. تلاش‌های وی، در مواردی به گونه‌ای است که به برداشتهای واژگونه از برخی آیات منجر شده است. آیه‌ای که درباره شرك است، برداشت توحیدی شده و آیه‌ای که در باب اهل فسق و معصیت است به اهل قرب و منزلت تأویل برده شده است.

ابن عربی در تفسیر آیه « مالک يوم الدين » (حمد، ۴) تصویر کرده که در قیامت، سرانجام با شفاعت الهی همه اهل جهنم نجات پیدا خواهد کرد و عذاب و عقابی نخواهد بود و جهنم به بهشت و نعمت‌های آن بدل خواهد گشت.^(۱)

وی در تفسیر آیه « لَقَدْ كَفَرُ الظِّينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ بْنُ مُرْيَمٍ » (مائده، ۱۷ و ۷۲) تأکید می‌کند که دلیل کفر کسانی که خدا را همان مسیح دانستند، این بود که حق تعالی را در هویت مسیح منحصر کردند، در حالی که خداوند محصور در شیء نیست. بلکه او مسیح و تمام عالم است.^(۲)

وی در تفسیر آیه « مَمَّا أَخْطَلَتْهُمْ أَغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا » (نوح، ۲۵)؛ می‌گوید: « گناهانشان آنان را راه برد و در دریای علم بالله که همان حیرت است غرق شدند. و در آتشی در سرچشمۀ آب در محمدیین داخل کرده شدند « فلم يجدوا لهم من دون الله أنصاراً » پس خداوند خود یارشان بود که تا ابد در او فانی گشتند.»^(۳)

ابن عربی همچنین در فصوص، همگان را مصیب و مأجور و سعادتمند دانسته است.^(۴)

۴-۵. حوزه فعالیتهای تجدد مآبی

این حوزه شامل فعالیتهای تفسیری تمام کسانی است که به بهانه تعارض علم و دین یا تعارض احکام حقوقی قرآن با حقوق بشر و نیز در جهت تطبیق قرآن با علوم و اندیشه‌های روز، تفاسیری از آیات ارائه کرده‌اند که در مواردی مستلزم نفی و انکار برخی مسلمات دینی است. نمونه این تفاسیر، تفسیر الهدایة و العرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن است که منکر پاره‌ای از احکام و مسلمات دینی شده است.

نویسنده تفسیر یاد شده درباره روش تفسیری خود گفته است که وجود آفات و احادیث موضوعه در روایات تفسیری باعث شده که وی روش تفسیر قرآن به قرآن را در پیش بگیرد ... تا

۱- الفتوحات المکتبة، ج ۲، ص ۲۰۰؛ ر. ک. فصوص الحكم، فص یونسی، ص ۱۶۹.

۲- فصوص الحكم، فص عیسوی؛ ر. ک. شرح کاشانی بر عبارات فصوص.

۳- فصوص الحكم، فص نوحی، ص ۷۳.

۴- همان، فص هودی، ص ۱۱۴. « فالكلّ مصیب و کل مصیب مأجور و کل مأجور سعید و کل سعید رضی عنہ و ان شقی زماناً فی الدار الآخرة ». برای ملاحظه موارد دیگری از تفسیرهای عرفانی ر. ک. مکتب تفسیر ارشادی، سلیمان آتش.

قرآن خود را تفسیر کند، همچنان که خداوند خبر داده است. و به امری بسیار فنی جز واقعیت خارجی -که قرآن بر آن تطبیق می‌کند - نیازمند نباشد.(ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۵۸۵)

برخی از تفسیرهای ناروای او عبارتند از:

الف. انکار معجزات پیامبران

نویسنده الهادیة و العرفان درباره معجزه حضرت موسی علیه السلام در آیه « و أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذْ أَسْتَسْقَاهُ قَوْمَهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَةً عَيْنًا » (اعراف، ۱۶۰) گفته است: « صحیح است که [بگوییم] حجر نام مکان، موضعی است. و معنای « اضرب بعصاك الحجر » آن است که به آن مکان راهی شو و به آنجا برو. غرض آنکه خداوند، موسی را به موضع آب و چشمها آن رهنمون شد.»(همان، ص ۵۸۹)

ب. انکار ملاٹکه، جن و شیطان

وی ملاٹکه را رسولان نظام هستی و عالم سنت الهی دانسته است. سجدۀ فرشتگان به انسان نیز بدین معنا است که جهان هستی در تسخیر انسان است.(همان، ص ۵۹۳)

نویسنده الهادیة و العرفان در تفسیر خود، به انکار حد سرقت و حد زنا پرداخته و حکم شرعی ریا را تنها در ریای فاحش حرام دانسته است. افزون بر اینها وی دیدگاههای خاصی درباره تعدد زوجات، زکات و مصارف زکات ابراز داشته است.(همان، ص ۵۹۵-۵۹۸)

در کشور ما نیز برخی از افراد تحت تأثیر افکار کمونیستی به برداشتهای انحرافی از قرآن پرداخته‌اند.

استاد مطهری در مقدمه کتاب علل گرایش به مادیگری، بحثی را به ماتریالیسم در ایران اختصاص داده و با ذکر نمونه‌هایی از تفاسیر یکی از گروههای انحرافی معاصر، به نقد دیدگاههای آنان پرداخته است. گروه یاد شده در تفسیر آیه « الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مَمَّا رَزَقْنَاهُمْ يَنْفَعُونَ » (بقره، ۳) نوشته‌اند:

« مفسرین، غیب را آنچه که دیدنی نیست، اعم از خداوند یا فرشتگان و... از این قبيل دانسته‌اند؛ حال آنکه اولاً خداوند و فرشتگان و... غیب نیستند، ثانیاً با طرح عنوان متقین، مسئله ایمان به خدا مطرح شده و گذشته است. منظور از غیب معهود در شناخت شده، همان مراحل ابتدایی رشد انقلاب توحیدی و زمان انجام تحولات کتی است.»(مطهری، مجموعه آثار، ج ۱،



گروه یاد شده در تفسیر آیه « و بالآخرة هم يوقنون » (بقره، ۴) نیز گفته‌اند: « اینان به نظام برتر در مرحله شهادت انقلاب یقین دارند و می‌دانند که این موضع‌گیری‌های خاص و این روش انقلابی، سرانجام آنان را به هدف خویش که رسیدن به نظام برتر است، می‌رساند... » (همان، ص ۴۶۶).

۵-۵. حوزه کار خاورشناسان

برخی از خاورشناسان به مقتضای انگیزه‌ها و رویکردهای خاص خود در مطالعات قرآنی، مرتکب پاره‌ای تفسیرهای انحرافی از آیات قرآن شده‌اند. برای نمونه ژاک. بیرک مترجم قرآن به زبان فرانسه، حرمت شرب خمر را مضحك خوانده و درباره تعدد زوجات گفته است: « هرگاه سوره نساء را برای شما تفسیر کنم، برایتان آشکار خواهد شد که این سوره ضد تعدد زوجات است. ولی نکته مهمتر ارث زن است که نصف ارث مرد بوده و شهادت زن که پایین‌تر از گواهی مرد است. این امر غیر مقبولی است که در قرآن هست لیکن بایسته است که در واقعیت (خارجی) وجود نداشته باشد.» (عزوزی، دراسات فی الاستشراف و مناهجه، ص ۱۸)

خاورشناس معروف گلدنزیهر دو منبع داخلی و خارجی برای معارف دینی پیامبر ﷺ قائل شده و گفته است:

« تبلیغ پیامبر عربی، تنها آمیزه و گزینشی از معارف و آرای دینی بود که آنها را به برکت ارتباط با عناصر یهودی و مسیحی شناخت. عناصری که از آن‌ها عمیقاً متأثر شد و شایسته دید که در ابني وطن خود، احساس دینی صادقی را بیدار کند. و این تعالیم که از آن عناصر بیگانه اخذ کرد در وجود انسان برای شناسایی صبغه‌ای از حیات در گرایشی که خدا آن را می‌خواهد ضروری بود. [پیامبر] با این اندیشه‌ها چندان تحت تأثیر قرار گرفت که به اعماق وجودش رسید و آنها را با وحی نیروی تأثیرات خارجی شناخت! پس آن اندیشه‌ها به عقیده بدل گشت که در قلب وی جای گرفت. همچنانکه این تعالیم و آموزه‌ها وحی الهی شمرده می‌شود.»^(۱)

۱ - العقيدة و الشريعة في الإسلام، ص ۱۲ به نقل از مناج المستشرقين ج ۱ ، ص ۳۱. برای مطالعه درباره

خاورشناس یاد شده در عبارات فوق سرچشمه الهی وحی به پیامبر اسلام را منکر شده و برای معارف الهی پیامبر منابعی بیرونی (تعلیم از اهل کتاب) و درونی (احساس عمیق) قائل شده است.

منابع :

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آتش، سلیمان، مکتب تفسیر ارشادی، ترجمه توفیق سبحانی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱ ش.
- آملی، سید حیدر، جامع الاسرار و منبع الانوار، تحقیق عثمان یحیی و هانری کربن، انسیستیوی ایران و فرانسه، ۱۳۴۷ ش.
- ابن عربی، الفتوحات المکیه، تحقیق عثمان یحیی، مراجعه ابراهیم مذکور، قاهره، ۱۴۰۱ ق.
- ابن عربی، فصوص الحكم، باتعلیقات ابوالعلاء عفیفی، دارالکتاب العربي، بیروت.
- بابائی، علی اکبر و همکاران، روش‌شناسی تفسیر، قرآن، زیر نظر محمود رجی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۷۹.
- بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، به کوشش ابراهیم رمضان، دارالمعرفة، بیروت.
- ذهبی، محمد، التفسیر و المفسرون، دار احیاء التراث العربي، دوم: ۱۳۹۶ ق.
- رومی، فهد، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، ریاض.
- زرقانی، عبدالعظيم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مؤسسه التاریخ العربي، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- زرکشی، برهان الدین، البرهان فی علوم القرآن، دارالکتب العلمیة، بیروت.
- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد سالم هاشم، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
- شاکر، محمد کاظم، روشهای تأویل قرآن، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.

دیدگاههای مستشرقان در باب قرآن ر. ک. الاستشرقا، دراسات تحلیلیه تقویمية.

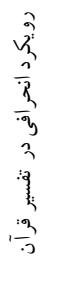


- شرقاوي، محمد، الاستشراق، دراسات تحليلية تقويمية، دارالفكر العربي.
- شريف رضي، نهج البلاغة، ترجمة عبدالالمحمد آيتی.
- شهرستانی، محمد الملل و النحل، به کوشش ابوعبدالله سعید مندوه، مؤسسه الكتب الثقافية، ١٤١٥ق.
- صدر المتألهین، مفاتیح الغیب، تحقیق محمد خواجه‌ی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدوق، محمد، التوحید، تحقیق سید هاشم حسینی تهرانی، جامعه مدرسین، قم.
- صدوق، محمد، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صدوق، محمد، عيون أخبار الرضائیل، تحقیق سید مهدی حسینی لاجوردی، قم، ١٣٦٣ش.
- صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبة الصدوق، تهران، ١٣٩٠ق.

- صدوق، محمد، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل، جوامع الجامع، تحقیق و نشر، دفتر نشر اسلامی، قم.
- طبرسی، محمد، الأمالی، تحقیق واحد تحقیقات اسلامی، مؤسسه بعث، دارالشفافه، قم.

- طوسی، محمد، التبیان، تصحیح احمد شوقي الامین و احمد حبیب قصیر، مکتبة الامین، نجف اشرف.
- ظاهر عاملی، سلیمان، القادیانیة، تحقیق سید محمد حسن طالقانی، چاپ اول، ١٤٢٠ق.

- عزوی، حسن، دراسات فی الاستشراق و مناهجه، چاپ اول، ١٤١٩ق.
- فهری، سید احمد، پرواز در ملکوت (شرح و تفسیر آداب الصلاة امام خمینی)، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، ١٣٧٣ش.
- قمی، ابوالقاسم، رساله رکنیه، (مندرج در کتاب قم نامه) به کوشش سید حسین مدرسی طباطبایی، قم کتابخانه آیة الله مرعشی، ١٣٥٣.



- کشی، اختیار معرفة الرجال، تلخیص : شیخ طوسی، تحقیق سید مهدی رجایی، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ ق.
- کلینی، محمد، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه.
- کمالی، سید علی، شناخت قرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیه، ایران.
- مجلسی، محمد باقر، الفوائد الطریفة فی شرح الصحیفة الشریفه، تصحیح : سید مهدی رجائی، اصفهان، کتابخانه علامه مجلسی، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمد باقر، مشکوٰۃ الانوار، تصحیح : عبدالحسین طالعی، اصفهان، حسینیه عmadزاده، ۱۴۱۲ ق.
- مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادیگری (مجموعه آثارج ۱)، انتشارات صدرا.
- معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- مفید، محمد، امالی، تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین قم.
- مکارم، ناصر، تفسیر به رأی، قم : مطبوعات هدف.
- مناهج المستشرقين في الدراسات العربية الإسلامية (مجموعه مقالات)، المنظمة العربية و الثقافة العلوم و نکته التربية العربي النهیج، ۱۹۸۵ م.
- ناصر خسرو، وجه دین، به کوشش ت. ارانی، انتشارات کاویانی، بی جا، بی تا.
- نوری، حسینعلی، ایقان، چاپ فرج الله ذکری، مصر.
- یمن، جعفر، کتاب الكشف، دارالفکر العربی، قاهره.
- الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، تحقیق سید محمد باقر خرسان، دار النعمان.